نگاه

نگاهی به جدیدترین مینی‌سریال نتفلیکس

سرزمینی بی‌رحم با مردمانی بی‌رحم‌تر

فرزانه متین

آمریکای نخستین (American Primrval) محصول کشور آمریکاست که در ۹ ژانویه ۲۰۲۵ به صورت یکجا در شش اپیزود منتشر شد و از سریال‌های هیجان‌انگیز در ژانر وسترن، درام و اکشن است. کارگردان آمریکای نخستین پیتر برگ است و مارک ال. اسمیت در مقام فیلم‌نامه‌نویس با وی همکاری کرده است. سریال نشان می‌دهد نخستین پایه‌های غرب وحشی چگونه گذاشته شد؛ سرزمینی بی‌رحم با مردمانی بی‌رحم‌تر در ایالات متحده آمریکا. در سال ۱۸۵۷ در غرب آمریکا در قلمروی یوتا اتفاقاتی رخ داد که سریال با اقتباس از این واقعیت‌ها ساخته شد. از آنجا که سریال به جنگ بر سر زمین، مناقشات بومی‌ها، مورمون‌ها و برتری سفیدپوست‌ها می‌پردازد، لازم است به دو مسئله مهم پرداخته شود؛ شوشون‌ها و مورمون‌ها. در آمریکای نخستین، ما با قبیله شوشون‌ها روبه‌رو هستیم. شوشون‌ها، نام یکی از قبیله‌های سرخ‌پوست است که محل استقرار آنها در شهرهای آیداها در کالیفرنیا، نوادا در اورگن و یوتاست. اما مورمون‌ها یا مورمونیسم یک مذهب مناقشه‌آمیز و تفرقه‌انگیز است که در میان مسیحیان شکل گرفته. آنها شاخصه اصلی جنبش قدیسان آخرالزامان مسیحیت احیاگر هستند که توسط جوزف اسمیت در سال ۱۸۲۰ پایه‌گذاری شد و ۱۰ سال بعد کتاب مورمون‌ها نوشته شد. آنها بر این باورند که تعالیم و آداب و رسوم سازمان کلیسا بر اثر نافرمانی بشر به ورطه نابودی کشیده شده است. مرکز اثرگذاری مورمون‌ها در یوتاست. اقلیتی از مورمون‌ها آشکارا به چندهمسری باور دارند؛ از سال‌های ۱۸۵۲ تا ۱۸۹۰ هر مردی از این فرقه، چندین همسر داشت. آنها خانواده‌محور هستند و همچنین قوانین سرسختی درباره عفت دارند. مورمون‌ها خود را مسیحی می‌پندارند، اما مسیحیان بر این باورند که آنها مسیحی نیستند و بدعت‌گذارانی منحرف به شمار می‌روند. آنها در سال‌های ۱۸۵۷ تا ۱۸۵۸ به‌عنوان شبه‌نظامی در منطقه یوتا یکه‌تازی می‌کردند و بر این اعتقاد بودند که سایر مناطق آمریکا را تحت سلطه خود دربیاورند. جمعیت آنها در حال حاضر در کل جهان حدود ۱۵ میلیون نفر است. داستان این مینی‌سریال در سال ۱۸۵۷ رخ می‌دهد. مادر و پسری برای فرار از گذشته‌شان از منطقه یوتا در غرب می‌خواهند به سمت شرق آمریکا بروند، اما در میان پیروان کلیسای مسیحی آخرالزمان (مورمون‌ها) و بومیان منطقه (شوشون‌ها) در یوتا خود را می‌بینند. محوریت اصلی داستان، حادثه کوهستان میدوز است که مورمون‌ها با پوشیدن لباس بومی سرخ‌پوستان و نقاب، دست به قتل‌عام فجیع کاروانی که به سمت کالیفرنیا می‌رفتند، زدند و حداقل ۱۲۰ نفر را کشتند و این کشتار را به پای سرخ‌پوستان نوشتند. اما افراد به‌جامانده از این سانحه، حقیقت را برملا کردند و حالا پای ارتش ایالات متحده آمریکا هم به این قضیه باز شده است. فیلم‌برداری این سریال تقریبا ۱۳۰ روز در نیومکزیکو به طول انجامید که فقط دو روز آن در دکورهای داخلی فیلم‌برداری شد. به گفته پیتر برگ، به‌تصویرکشیدن یکی از واقعه‌های مهم آمریکا از سخت‌ترین کارهاست و فیلم‌نامه‌نویس که نویسنده فیلم از گوربرخاسته با بازی لئوناردو دی‌کاپریو بوده، به نسبت برگ با این اتمسفر آشناتر است. چیزی که در آمریکای نخستین می‌بینیم، در یک کلام، خشونت عریان از رؤیای آمریکایی است. آمریکایی که در خشونت زاده شد و در رگ‌هایش همچنان جاری است. آمریکایی‌های امروز نبیره آن وحشی‌ها هستند و این همان هویت ایالات متحده آمریکاست. در این مینی‌سریال، در هر اپیزود، با خون و خون‌ریزی‌های وحشیانه‌ای که گاهی اوقات مخاطب تاب دیدن چنین لحظاتی را ندارد، به بهترین شکل ممکن روبه‌رو هستیم که پیش از آن در هیچ وسترنی این‌گونه به آن پرداخته نشده است. این نگاه جذاب به بخش مهمی از تاریخ آمریکا، یک سنت‌شکنی محسوب می‌شود و عبور یک زن و فرزندش از میان وحشیانه‌ترین مردم که برای زمین می‌جنگند، به هیجان فیلم افزوده است. در این مینی‌سریال با غرب وحشی بدون اضافه‌گویی روبه‌رو هستیم. شاید در ابتدا برای مخاطبان، این سریال یک اثر ساده و اکشن محسوب شود، اما در لایه‌های زیرین آن، پر از معنا و مفهوم است. به تصویر کشیدن این دوره از تاریخ آمریکا جسارت می‌خواست که برگ از آن سربلند بیرون آمد. او دنیای کثیفی را نشان می‌دهد که حالا تبدیل به یک ابرقدرت شده است. بازیگران در این مینی‌سریال خوش درخشیدند و توانستند در نقش‌های خود فروبروند و شایسته تحسین هستند. از سوی دیگر، فیلم‌برداری به‌خوبی دنیای بی‌رحم گذشته آمریکا را نشان داد و قاب هم بسیار موفق از آب درآمد. موسیقی در خدمت سریال و مهیج است. کلیسای مسیحیان آخرالزمان در روزهای آخر فیلم‌برداری این مینی‌سریال بیانیه‌ای منتشر کردند و در آن نوشتند: «در مورد کشتارهای کوه میدوز که سریال به‌طور نادرستی آن را به‌عنوان بازتابی از عقاید مذهبی پیروان این کلیسا به تصویر کشیده، باید گفت کلیسای مسیحیان آخرالزمان بارها این حادثه را محکوم کرده است. این کلیسا همچنین تصویری را که از برینگهام یانگ، کشیش پیرو کلیسای مسیحیان آخرالزمان و یکی از طرف‌های درگیر در کوه میدوز به نمایش گذاشته شده، مغرضانه و دارای اشتباهات فاحش دانسته و آن را محکوم می‌کند». این کلیسا در فراز پایانی بیانیه خود از همه مردم جهان ازجمله پیروان کلیسای آخرالزمان مسیحی خواسته است صلح‌طلب باشند و برای رشد و گسترش صلح در سراسر جهان بکوشند. آنچه کلیسای آخرالزمان درباره مورمون‌ها در فاجعه ۱۵۰ سال گذشته بیان می‌کند، با تحقیقات می‌توان متوجه شد آنها در حال مبراکردن خودشان از قتل و غارت هستند. اما این واقعیت غرب وحشی است. آمریکای نخستین، مینی‌سریالی است که ارزش تماشا دارد.

یادداشت

دیپلماسی؛ پارادایم هراسناک

ادامه از صفحه اول

دیپلماسی خزنده چین بخش وسیعی از اقتصاد جهان را در بند کشیده و در حوزه بااهمیت پاسیفیک اهداف برتری‌جویانه این کشور در سایه‌روشن گستره روابط بین‌المللی به بار نشسته است. حوزه پاسیفیک نقطه تعادل استراتژیک قدرت‌های بزرگ است. برهم‌خوردن موازنه قوا به مفهوم تغییر گرانیگاه سیاسی-نظامی در این اقیانوسی بوده که می‌تواند ناآرام هم باشد. به گزارش اندیشکده هادسون «پناهگاه‌های مستحکم هواپیماهای چین در حوزه پاسیفیک به بیش از سه هزار واحد افزایش یافته است. این در حالی است که آمریکا اوایل دهه ۲۰۱۰ تنها دو پناهگاه احداث کرده است. براساس این گزارش اختلاف مزبور باعث می‌شود پایگاه‌های هوایی آمریکا به‌شدت مورد حملات دقیق موشکی قرار گیرند. چین با مستحکم‌سازی زیرساخت‌های خود در حوزه پاسیفیک انجام عملیات هوایی مداوم حتی در شرایط تحت حمله بودن را فراهم کرده که مزیت استراتژیک به شمار می‌رود. فرودگاه‌های نظامی آمریکا در حوزه اقیانوس آرام در برابر حملات پیشگیرانه چین به‌شدت آسیب‌پذیرند». استراتژیست‌های آمریکایی به این باور رسیده‌اند که اتکا به رویکردهای جنگ سرد در مناطق حساس همانند حوزه پاسیفیک کارساز نیست. سویه نوین روابط بین‌المللی چالشی در برابر سیاست یک‌جانبه‌گرایانه چین و تهدیدات امنیتی ناشی از آن است. نزدیک‌ترین نشانه این گرایش و رویکرد در روابط بین‌المللی چرخش در روابط آمریکا و روسیه است. این گرایش نگرانی دیپلماتیک اروپایی‌ها را به دنبال داشته است. این نگرانی‌ها بیشتر درباره تهدیدات روسیه در برابر اروپا به‌ویژه در حوزه دریای بالتیک است. اما چالش امنیتی بزرگ در حوزه پاسیفیک در حال شکل‌گیری است. اروپا همواره درباره مسائل حوزه اقیانوس آرام توجه کمتری داشته است. خیزآب‌های بحران‌های امنیتی حوزه پاسیفیک و برهم‌خوردن موازنه قوای ژرف در این حوزه روابط فراآتلانتیکی و همه سیاره را درخواهد نوردید. اروپا تهدیدات امنیتی فراقاره‌ای دوردست‌ها را باید جدی بگیرد.

نگاهی به نمایش «پیوتر اوهه» اثر فارس باقری

شاخصه‌های تئاتری مدرن

ترانه رحیمی

قهرمانان مدرن و استیصال درونی، مسئله‌ای که شخصیت را در برخورد با خود، دیگران و حتی نزدیک‌ترین فرد زندگی‌اش دچار بحران می‌کند، انزواطلبی که همراه با نیاز شخصیت به برطرف‌کردن چالش‌های روحی دیده می‌شود؛ آن‌گونه که در «اوهه» و تناقضات روحی او مشاهده می‌کنیم، نویسنده‌ای نوگرا است که به دلیل نوشتن داستان‌هایی خلاف عرف اجتماعی، از سوی دولت طرد و به یک سال حبس محکوم شده است. گذشته‌ای که او را در اکنون نمایش، با ورود افرادی از سوی حکومت -مأمور مالیات، مدیر سیرک، نماینده نخست‌وزیر هند و دانشمندی جوان- تحت فشار روحی قرار می‌دهد اما انتخاب «اوهه» به‌عنوان پدری با یک فرزند دختر -ژوزه- چه می‌تواند باشد؟ شخصیت‌محوری در نمایش‌نامه‌های مدرن دارای بار مسئولیت فردی بر سر انتخاب هستند؛ اوست که در چرخه‌ای معکوس از روال عادی زندگی می‌گردد و خود را بیش‌ازپیش در انزوا فرومی‌برد، فردیتی که در «پیوتر اوهه» و نمایش‌نامه‌ای به همین نام دیده می‌شود؛ نویسنده‌ای که حتی قادر به فراهم‌آوردن غذای شب برای همسر -ربه‌کا- و دخترش نیست، در مواجهه با پیشنهادهای مالی از سوی مأموران دولتی قرار می‌گیرد اما در سفری دراماتیک از بار مسئولیت اجتماعی‌اش کاسته می‌شود. او که در آغاز نمایش حتی پذیرای پوشیدن کتی از سوی مأمور مالیات نبود، در پایان با پوشیدن کفش‌های زنانه نماینده نخست‌وزیر، از ارزش‌های فردی‌اش فرومی‌ریزد. دیگر برای او نبودِ همسر و دخترش، هیچ نقطه عطفی محسوب نمی‌شود. اوهه چنان در «هامارتیا» غرق است که قادر به ارتباط‌گیری با نزدیک‌ترین فرد زندگی‌اش -ربه‌کا- نیست. او که در آغاز نمایش بر ارزش‌های فردی ایستاده بود و علیه دیگران طغیان می‌کرد، حال زانوزده در جهان ذهنی، مادرش را شاهدی بر احوالات نابسامانش می‌دید؛ بنابراین آیا می‌توان گفت در «پیوتر اوهه» شخصیت در جهان ذهنی قرار دارد و دیگر پرسوناژها در جهان عینی؟

یکی از مسائلی که در نمایش‌نامه‌های مدرن وجود دارد، آمیختگی بسیار شخصیت با جهان درونی و خیالی است. چالش از آنجا آغاز می‌شود که شخصیت در ارتباط با افرادی مخالف خود قرار می‌گیرد؛ افرادی در تعارض با خواسته‌هایی که قابل بیان نیز نیستند. اوهه که خواستار نوشتن از جهانی است که تنها و تنها برای خودش مطلوب است؛ جهانی فردی و فارغ از حضور دیگران، این چیزی است که اوهه را در جایگاه قهرمان تراژدی مدرن تثبیت می‌کند. او در جدال میان معنویت و مادیت، به تنهایی گرفتار است. مادیت در نظام ارتباطی بیرونی -آپارتمانی کوچک، با چهارپایه‌های چوبی و تختی ساده- و معنویتی در نظام ارتباطی درونی -جهان ذهنی اوهه، آرزوها و ارزش‌هایش برای نویسندگی و خلق اثر- که در تعارض با هم قرار می‌گیرند. اوهه احساسات متناقضش را در برخوردهای متناقض دارد؛ احساس شکست و احساس پیروزی به طور توأمان، اما این احساسات کجا به اوج می‌رسند؟ آیا می‌توان گفت اوهه در جایگاه شخصیت‌محوری، دچار بالاترین میزان تغییرات می‌شود؟

در دنیای نمایش‌نامه‌نویسی مدرن، نقطه اوج مصادف با پایان است. شخصیت چهره اصلی خود را در پی تحولات و شکستی درونی، هویدا می‌کند؛ مانند اوهه که در اوج طردشدگی از سوی همسر و مأموران دولتی در انزوا فرومی‌رود. او در عریانی به دست همان مأمورانی -که در ابتدای نمایش‌نامه مقابل‌شان می‌ایستاد- می‌افتد و به نجاستی که پیرامونش را گرفته، اعتراف می‌کند. تناقض‌های او در سفر دراماتیکش به توسعه ابعاد ضدونقیض رفتاری‌اش منجر می‌شود. اوهه به شناخت می‌رسد اما نه در قبال شاخصه‌های مثبت، بلکه درباره ابعاد منفی، ناامیدی و انزوایی که انسان معاصر را در حضور دیگران همچنان حفظ می‌کند. دشواری شرایط او از انتخاب بر سر ارزش‌هایی ناشی می‌شود که در پایان نمایش دیگر اثری از آن باقی نمانده است.

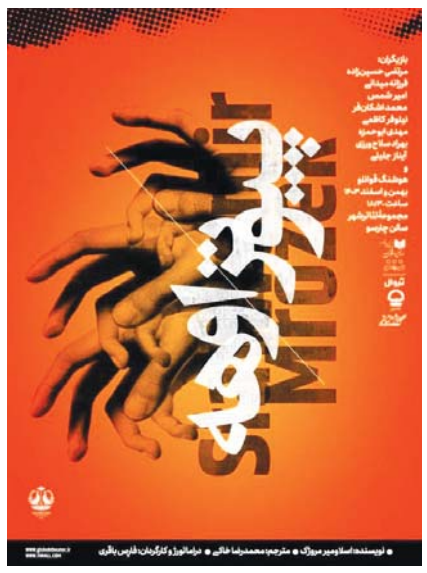

این آشفتگی‌ها در برخورد میان نظام ارتباطی درونی و بیرونی، در اجرای نمایش‌نامه با خلق فضاهایی متضاد دیده می‌شود. بهره‌گیری از سرودهای منوفونیک، بازی‌های میان اوهه و ربه‌کا، نوشیدن مشروب از دست زن نماینده نخست‌وزیر و بازگشایی دیوار خانه اوهه در انتهای اجرا، مخاطب را از انفعال خارج و وارد چالش‌های ذهنی می‌کند. از سرودی جمعی و پرشور در آغاز، تا نوای «ویلن‌سل» در انتها، صحنه‌ای که از تزئینات خالی است و توجه مخاطب را به سوی شخصیت اصلی می‌کشاند. همه چیز معطوف به رنج درونی اوهه و سکون او در خانه‌ای محقر است؛ دیگرانی که به او ملحق و در نهایت از او جدا می‌شوند، از نزدیک‌ترین فرد یعنی ربه‌کا تا دیگرانی که کوچک‌ترین برخورد عاطفی با او ندارند. دیگرانی با لباس‌های فرم یکسان، از سوی دولتی که در تعارض با ارزش‌های معنوی او قرار دارند. تنها اوهه و خانواده‌اش لباسی متفاوت دارند؛ متفاوت اما در نهایت سادگی با رنگ‌هایی خاکستری که دل‌مردگی را در رنج انسان معاصر -که میان ربه‌کا و ژوزه نیز مشترک است- یادآوری می‌کند.

بنابراین در «پیوتر اوهه» پیوستگی میان اجرای صحنه‌ای این نمایش‌نامه، با محتوا و مضمون، در کمال هنرمندی دیده می‌شود. هیچ‌چیز استیصال، رنج، فقدان درونی اوهه را در تعارض با دیگران و محیط، از نظر دور نمی‌کند. این تکاملی هنرمندانه برای یک اجرای تئاتر مدرن است، در نهایت مسئولیت هنری است؛ وحدت میان صورت و محتوا که ارزش زیبایی‌شناسانه اثر را متجلی می‌کند.

مورد عجیب یک سریال

شرق: ۲۴ بهمن ماه ۱۴۰۳ بود که ساترا در بیانیه‌ای اعلام کرد سریال «تاسیان» بدون طی مراحل کامل اخذ مجوز منتشر شده و رسیدگی به تخلفات آن در دست پیگیری است. ساترا تأکید کرد: این سریال علی‌رغم جلسات متعدد کارشناسی و تبیین اشکالات مضمونی نتوانست تأیید فیلم‌نامه و مجوز تولید را بگیرد. بیانیه ساترا می‌افزاید: سریال «تاسیان» به دلیل عدم اصلاح ایرادات هنوز موفق به دریافت مجوز انتشار نشده و رسیدگی به تخلف عوامل تولید و سکوی انتشاردهنده در دست پیگیری است. این در حالی است که درست چند روز قبل، ساترا با توجه به اخبار منتشرشده درباره سریال «تاسیان» اطلاعیه‌ای منتشر کرد. «ملاحظه ساترا درخصوص سریال «تاسیان» به دلیل لزوم دریافت پاسخ استعلام خانم تینا پاکروان کارگردان سریال بود که چهارشنبه صبح مورخ ۱۷ بهمن مراحل دریافت پاسخ استعلام ایشان از نهادهای قانونی مرجع استعلام تکمیل شد و بر همین اساس موضوع انتشار سریال ایشان در بعدازظهر همان روز یعنی چهارشنبه ۱۷ بهمن‌ماه در شورای صدور مجوز ساترا به شکل رسمی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. البته پیش از این، سریال مذکور به شکل غیررسمی در شورای صدور مجوز ساترا مطرح شده بود و اصلاحات مد نظر شورای صدور مجوز برای صدور مجوز سریال مشخص بود. همچنین لازم به تأکید است شورای صدور مجوز ساترا درخصوص این سریال ملاحظات محتوایی مشخصی بر اساس آیین‌نامه‌ها و قوانین محتوایی داشته است که امیدواریم در هنگام پخش، ملاحظات محتوایی شورای صدور مجوز ساترا رعایت شود تا شاهد شکل‌گیری چالش جدید درخصوص این سریال نباشیم».

با پخش اولین قسمت مجموعه «تاسیان» به کارگردانی تینا پاکروان، ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کشور از مدیران ساترا و عوامل پلتفرم مربوطه شکایت کرد. حجت‌الاسلام یاسر خلیلی، مدیر کل حقوقی ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کشور درباره علت شکایت از مدیران ساترا عنوان کرد: متأسفانه مدیران ساترا به سریالی اجازه پخش داده‌اند که به صورت مشخص موضوع حیا و عفت در جامعه را هدف قرار داده است.

اظهار نظر درمورد این سریال چه در فضای رسمی و چه مجازی بحث و نظرهای مختلفی را ایجاد کرد. تسنیم در بخشی از گزارشی درباره این سریال نوشت: «جذابیت داستانِ «تاسیان» مرور تاریخی است که برای نسل امروز ضرورت دارد اما شاید می‌بایست کارگردان یک‌مقداری در استفاده بیش از حد از مشروبات الکلی و مواردی از این دست، تعادل را در دستور کار خودش قرار می‌داد. بسیاری از سکانس‌ها و پلان‌ها شخصیت‌های اصلی یا در حال مصرف مشروبات الکلی‌اند یا جشن‌های مختلط و حجاب‌های آن‌چنانی که البته به دلیل روایتگری دوران تاریخی سریال، ایجاب می‌کند اما افراط آن‌قدری به چشم می‌آید و شاید همین نکته مسئله‌ساز شده است. البته نداشتن مجوز تولید و نمایش و بیانیه ساترا، انتقادهای ستاد احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر و مواردی از این دست هم باعث شد نام «تاسیان» چه قبل از شروع پخش و چه الان پس از دو قسمتِ پخش‌شده، بیش از بقیه در فضای رسانه و شبکه‌های اجتماعی مطرح شود...».

اما نقدها به این سریال به همین‌جا ختم نمی‌شود و فارغ از تمام نقد و نظرات، موضوع اصلی این جریان نگاه ساترا به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر به شبکه نمایش خانگی است. اتفاقی که باعث شده بیشتر از تنظیم‌گری، هرازگاهی با انتشار نامه‌های متناقض، تصمیم‌گیری درست درمورد آثار نمایش خانگی با خلأیی اساسی مواجه شود.

کیوان کثیریان، منتقد صاحب‌نام سینمای ایران، دراین‌باره در صفحه شخصی خود نوشت: «بعد از تماشای سه قسمت از تاسیان، بر شخص من مسجل شد که این حجم وسیع از حملات گسترده و غیرعادی به یک سریال، یک کمپین مشخص از سوی کسانی یا جاهایی است که البته حدس‌زدنش نمی‌تواند چندان دشوار باشد. به گمانم این، شاید یک پروژه چرب و چیلی باشد که برخی از تازه به دوران رسیده‌ها، بی‌سوادها، نیوفیس‌هایی که جلوی اسمشان می‌نویسند منتقد، تندروهای جعلی و ویروس‌ها و لمپن‌های رسانه‌ای دارند از چربی ماجرا، بهره‌مند می‌شوند.

یک روز به دستاویزِ پوشش آویزان می‌شوند، یک روز به نوشیدنی، یک روز به تاریخ، یک روز به ساواک و حتی یک روز به نام خانوادگی کارگردان. اینها به تلاش برای ترور یک شخص بیشتر شبیه است تا هر چیز دیگر. تازه یکی هم نیست بگوید اگر پیش از انقلاب همه باحجاب بودند و به جای مشروب آب‌میوه می‌خوردند و قس‌علی‌هذا، پس اصلا چرا انقلاب کردید؟ اگر تئاتر شهر و موزه هنرهای معاصر و احتمالا ورزشگاه آزادی و پارک لاله و... بد و اخ است، چرا تخریبشان نکردید؟ چرا ازشان استفاده می‌کنید؟ همه باید شبیه تلویزیون سریال بسازند؟ قطعا تاسیان اشکال و ایراد کم ندارد که بشود درباره‌اش درست و منطقی حرف زد ولی اینکه حتی یک نفر از اینها یک انتقاد قابل شنیدن و فنی در چنته ندارد و همه‌شان با میزان قابل توجهی از هیجان جعلی و دلسوزی برای ازدست‌رفتن ارزش‌ها درباره تاسیان حرف می‌زنند، نشانه مشکوکی است که جدا از بی‌سوادی، می‌تواند ریشه‌های دیگری داشته باشد. به گمانم حالا می‌شود با خیال راحت تاسیان را دید و مطمئن بود که احتمالا آن جاهایی را که باید، هدف گرفته». طی چند ماه گذشته حواشی رویکرد ساترا نسبت به برنامه‌هایی که از فیلیمو پخش می‌شود، انتقادات بسیاری را به همراه داشته است. نگاه این مجموعه به برنامه «اکنون» با اجرای سروش صحت هم قابل تأمل بود و حالا هم بحث سریال عاشقانه تاسیان. رفتارهای دوگانه ساترا طی چند ماه گذشته بحث‌برانگیز بوده است و باید دید در ادامه تنظیم‌گری محتوای برنامه‌ها، چه مسیری پیش‌روی پلتفرم‌ها خواهد بود. با این حال به نظر می‌رسد تاسیان در همین سه قسمت توانسته مخاطب خود را پیدا کند و حواشی این سریال همچنان ادامه دارد.

اخبار برگزیده

نشست رونمایی و تحلیل دو کتاب فیلم‌نامه در خانه هنرمندان ایران

نشست رونمایی و تحلیل دو کتاب فیلم‌نامه «گورخر» و «ماهی آزاد» به قلم ایران انتظام در خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد. در این نشست، دو کتاب فیلم‌نامه با نام‌های «گورخر» و «ماهی آزاد» نوشته ایران انتظام رونمایی می‌شود. ایران انتظام فارغ‌التحصیل کارشناسی کارگردانی سینما و عکاسی، فارغ‌التحصیل پادفک زبان روسی از دانشگاه هوافضای نائوی اوکراین است. او عضو هیئت داوران بخش سینمای ایران در هجدهمین جشن سینمای ایران بود. سخنگوی هیئت‌مدیره انجمن عکاسان سینمای ایران (در خانه سینما) بخشی دیگر از فعالیت‌های صنفی اوست. برنده تندیس بهترین عکس فیلم در هفدهمین جشن سینمای ایران، بهترین عکاس سینمای ایران در نخستین جشن عکاسان سینمای ایران، تندیس بهترین عکس فیلم در دو دوره شانزدهم و بیست‌وششم جشنواره بین‌المللی فیلم کودک اصفهان بخشی از کارنامه هنری اوست. عکاسی فیلم‌های سینمایی چون «رها»، «شوهر ستاره»، «تابو»، «انتهای خیابان چهل‌ویکم»، سریال تاریخی مولانا و... بخشی از فعالیت او در عرصه عکاسی فیلم است. ایران انتظام نویسندگی و کارگردانی دو فیلم کوتاه «فراموش» و «من قدیمی هستم» را در کارنامه دارد. حضور و کسب جایزه در فستیوال‌هایی چون ویمست یالتا اوکراین، بوسان کره جنوبی، جشنواره بین‌المللی فیلم بوگاتا آمریکای جنوبی، کلرمون فرانسه، شاهنگهای جین، سائو پائولو برزیل، سوریا اسپانیا، فستیوال فیلم‌سازان زن مستقل ایران در سوئیس، جشنواره بین‌المللی ادینبرگ انگلیس و نمایش آثار کوتاه او در گروه سینمایی هنر و تجربه، بخشی از کارنامه ایران انتظام است. این نشست ۸ اسفند ۱۴۰۳ ساعت ۱۷ تا ۲۰ در سالن استاد امیرخانی خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد.

خرس طلایی برلین به «رؤیاها» رسید

ایسنا: هفتادوپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین با اعطای جایزه خرس طلایی و دیگر جوایز، به کار خود پایان داد. هیئت داوران بخش مسابقه اصلی هفتاد و پنجمین جشنواره فیلم برلین، فیلم نروژی «رؤیاها» ساخته داگ یوهان هاگرود را شایسته دریافت خرس طلایی بهترین فیلم دانست. امسال ستاره چینی «فن بینگ‌بینگ»، فیلم‌ساز مراکشی «نبیل عیوش»، طراح لباس آلمانی «بینا دیگلر»، کارگردان آرژانتینی «رودریگو مورنو»، منتقد فیلم «ایمی نیکلسون» و بازیگر و کارگردان «ماریا شریدر»، دیگر اعضای داوران بخش مسابقه اصلی جشنواره برلین بودند.

فهرست برندگان جشنواره برلین ۲۰۲۵: خرس طلایی «رؤیاها» ساخته داگ یوهان هاگرود، خرس نقره‌ای جایزه هیئت‌داوران «پیام» ساخته ایوان فوند، خرس نقره‌ای جایزه بزرگ هیئت داوران «مسیر آبی» ساخته گابریل ماسکارو، بهترین بازیگر نقش اصلی رز بیرن برای فیلم «اگر پا داشتم به تو لگد می‌زدم»، بهترین بازیگر نقش مکمل اندرو اسکات برای فیلم «ماه آبی»، خرس نقره‌ای برای مشارکت برجسته هنری «برج یخی» ساخته لوسیل هادزیالیلوویک، بهترین کارگردان هوئو منگ برای فیلم «زیستن در سرزمین»، خرس نقره‌ای برای بهترین فیلم‌نامه «کنتیننتال ۲۵» ساخت رادو زوده، جایزه بهترین فیلم اول GFF «شیطان سیگار می‌کشد (و کبریت‌های سوخته را در همان جعبه نگه می‌دارد)» به کارگردانی ارنستو مارتینز بوسیو، جایزه مستند برلیناله «نگه‌داشتن لیلت» ساخته براندون کرامر. بخش فیلم‌های کوتاه: خرس طلایی بهترین فیلم کوتاه «ناتمام» ساخته لسلی لوکسی چان، خرس نقره‌ای جایزه هیئت داوران (فیلم کوتاه) «زندگی معمولی» ساخته یوریکو میزوسیری. هیئت داوران فدراسیون بین‌المللی منتقدان سینما (فیپرشیر) نیز فهرست برگزیدگان خود در بخش‌های مختلف جشنواره فیلم برلین را اعلام کرد.

فیلم نروژی «رؤیاها» ساخته داگ یوهان هاگرود جایزه فیپرشی در بخش مسابقه بین‌المللی، «دختر کوچولوهای پردردسر» ساخته اورسکا جوکیچ از اسلوونی جایزه بخش تازه‌تأسیس چشم‌اندازها، مستند «زیر پرچم‌ها، خورشید» ساخته خوانیتو پریرا از پاراگوئه جایزه بخش پانوراما و مستند «خاطره پروانه‌ها» ساخته تاتیانا فوئنتس سادوسکی از پروهم جایزه فیپرشی بخش فروم را دریافت کردند.